

Handwritten text in Persian script, likely a list or index, covering the top half of the page. The text is dense and difficult to read due to the image quality.

پایگاه تخصصی اطلاعات علمی  
مجله علمی و پژوهشی  
شعر جهان

- یادی از رنه شار و چند شعر از او / رضا سیدحسینی
- چند شعر از رنه شار / رضا سیدحسینی
- آخرین سنوآل برشت / یانگلیان / فرح یگانه تبریزی

# یادی از رنه شار و چند شعر از او

رضا سیدحسینی

رنه شار<sup>۱</sup> (۱۹۰۷ - ۱۹۸۸) یکی از بزرگترین شاعران قرن بیستم فرانسه، شاعری است که شعر او اگر هم نامفهوم نباشد دستکم دشوار است. در آغاز با مؤسسان نهضت سوررئالیسم همکاری نزدیک داشت و یکی از فعالترین سوررئالیست‌ها بود. در سال ۱۹۳۰ کتاب کند کردن کارها<sup>۲</sup> را با همکاری آندره برتون<sup>۳</sup> و پل الوار<sup>۴</sup> نوشت و بعد چکش بی‌استاد<sup>۵</sup> را، و سرانجام در ۱۹۳۵ از آنان جدا شد. با شروع جنگ دوم به جبهه رفت و پس از شکست فرانسه به نیروی مقاومت مخفی پیوست و زیر نام «سروان آکساندره» با آلمانیها جنگی در سالهای جنگ اثری منتشر نکرد. اما به محض پایان جنگ (در ۱۹۴۵) مجموعه تنها مانده‌اند<sup>۶</sup> را منتشر ساخت که به ژرژیراک<sup>۷</sup> و آلبر کامو<sup>۸</sup> تقدیم کرده بود و در آن خطاب به فرانسیس کورل<sup>۹</sup> که از اردوگاه آلمانی برگشته بود چنین می‌گفت: «این اندیشه به مغزت راه نیافت که لباس راه را از طوفان به

1 - René Char

2 - Ralentir travaux

3 - André Breton

4 - Paul Eluard

5 - Le Marteau Sans maître

6 - Seuls demeurent

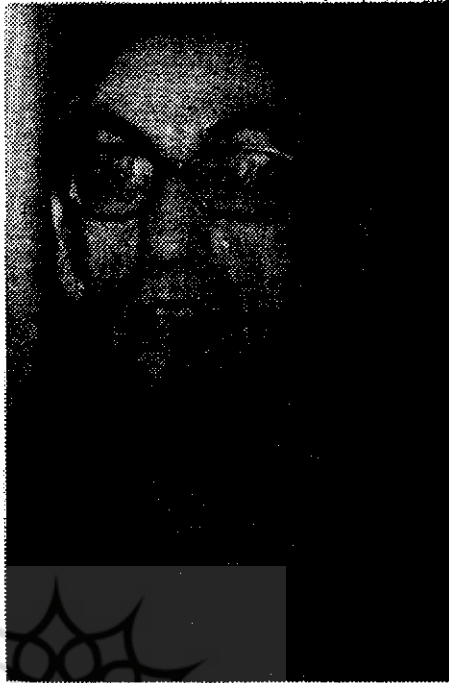
7 - G. Braque

8 - A. Camus

9 - Francis Curel



● رنه شار



● رضا سیدحسینی

دربری و برای تبرک به نزدیکانت بدهی. آن را با شپش‌های بی حسابش و سوراخهای لاغریت در آتش انداختی یا روی زمین رها کردی...» در ۱۹۴۶ اوراق خواب مصنوعی<sup>۱</sup> و در ۱۹۴۷ شعر خاک شده<sup>۲</sup> را منتشر ساخت. در ۱۹۴۸، آنتونین آرتو<sup>۳</sup> روز چهارم مارس درگذشت. رنه شار خطاب به او گفت: «من آن صدا را ندارم که مدح ترا بگویم، برادر بزرگ/ اگر روی بدنت که نوز پریشانش می‌کند خم شوم/ خنده تو مرا پس خواهد زد.» در آن سالها در هر فرصتی از آزادی دفاع می‌کرد، دشمنی شدید با استالینیسیم نشان می‌داد. در همه جبهه‌های فرهنگ مدافع آزادی شعر بود و چنانکه موریس بلانشو<sup>۴</sup> درباره او گفت: «شعر شعر را می‌گفت.» از آن پس یکی به دنبال هم چندین مجموعه شعر منتشر کرد. از جمله، خشم و راز<sup>۵</sup> (۱۹۴۸)، صبحگاهی‌ها<sup>۶</sup> (۱۹۵۰)، جستجوی پایه و قله<sup>۷</sup> (۱۹۵۵)، سخن در مجمع الجزایر<sup>۸</sup> (۱۹۶۲) تابلو برهنه گم شده<sup>۹</sup>

- |                                       |                        |
|---------------------------------------|------------------------|
| 1 - Feuilles d'Hypnose                | 2 - Le Poème Pulvérisé |
| 3 - Antonin Artaud                    | 4 - Maurice Blanchot   |
| 5 - Fureur et Mystère                 | 6 - Les Matinaux       |
| 7 - Recherche de la base et du Sommet |                        |
| 8 - Le Parole en archipel             | 9 - Le Nu Perdu        |

(۱۹۷۱)، ریاحین صیاد<sup>۱</sup> (۱۹۷۶) ... در این مجموعه‌ها از جمله‌ی شعر وظیفه هم‌مانگی با شناخت هستی، روشنائی و عشق قایل شده بود. و معتقد بود که شاعر وظیفه دارد به طلب پیروزی بر قدرتهای خارق‌العاده‌ای برخیزد که احساس می‌کنیم به وفور از درون ما می‌گذرد. اما ما به سبب فقدان صداقت و پشتکار نمی‌توانیم چنانکه باید آنها را بیان کنیم.»

شار از ۱۹۵۵ دوستی پایداری با هایدگر<sup>۲</sup> ایجاد کرده بود و فیلسوف آلمانی سه بار به دعوت او به اقامتگاه وی در «تور» آمد و در پاسخ سوالهایی که از او می‌شد سخنانی ایراد کرد که بعدها در چند دفتر تحت عنوان سؤال از طرف انتشارات گالیمار منتشر شد.

شعرهای شار با بهم پیوستن اندیشه هراکلیت<sup>۳</sup> و هایدگر و تکیه بر اتحاد هیجان‌انگیز متضادها و با تحرک و تغییری که دارد، به نتیجه اخلاقی درهم پیچیده‌ای می‌رسد. درخشش، سودا، شور و صاعقه در شب درونمایه‌های برگزیده او هستند در یکی از اشعار مجموعه پنجره‌های خفته و در بالای سقف<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) با عنوان «سبکی زمین» چنین می‌گوید: «آسایش تخته تپد زندگی؟ ما می‌افتم. باز هم برای شما از سقوط می‌نویسم. چنین است که حالت بودن در جهان را احساس می‌کنم. انسان به همان صورتی که قبلاً ترکیب شده بود خود را تجزیه می‌کند. چرخ سرنوشت برعکس می‌گردد و دندان‌های آن تن ما را ریش ریش می‌کند، ما بزودی بر اثر سرعت سقوط آتش خواهیم گرفت. عشق، این ترمز عالی، بریده است و کار نمی‌کند.»

رنه شار روز ۱۹ فوریه ۱۹۸۸ درگذشت. در ماه مه همان سال مجموعه‌ای با عنوان مدح یک زن مزنون<sup>۵</sup>، که شاعر قبل از مرگش آماده کرده و به انتشارات گالیمار<sup>۶</sup> سپرده بود، منتشر شد. در این مجموعه آمده است: «گلبرگها از هم باز می‌شوند و گسترش می‌یابند. از دایره خارج می‌شوند، درحالی‌که مرگ مشایخ‌شان است. لحظه‌ای به قلب نزدیک می‌شوند و مرگ را باطل می‌کنند.»

اینک نوشته کوتاهی از کلودروا<sup>۷</sup> شاعر و نویسنده نامدار فرانسوی درباره شعر رنه شار:

### تجارب اندیشه

آنچه رنه شار درباره حمله قلبی که در ماه مه ۱۹۶۸ عارضش شد می‌گفت، می‌تواند در مورد

1 - Aromates Chasseurs

2 - Heidegger

3 - Heraclite

4 - Fenêtres dormantes et Porte Sur le tait

5 - Éloge d'une Soupçoné

6 - Galimard

7 - Claude Roy

کل اشعار او صادق باشند: «صاعقه، که اغلب با لذت در آسمان نگاه می‌کردم، در مغمز منفجر شد.» نوشتن برای شار پیش از این که کار نویسنده، یعنی آوردن متنی به زوی کاغذ باشد، چیزی است که خود او روزی نوعی «تجربه اندیشه» نامید. جستجو و کشف حالات درونی که بر انسان می‌گذرد، حالات درونی عاشق، رزمنده، دوست و اندیشمند، روستائی و دوستدار هنر، خشونت صاعقه و لطافت نوازش، انفجارهای خشم ضروری یا شنیدن آرام جریان آبهای مادر. پیوسته احساس می‌شود که شار هرگز پشت میز کارش ننشسته است که بگوید: «می‌خواهم یک شعر بسازم.» او ترجیح می‌دهد که گوش به غرش طوفانها و بال زدنهای «فضای درونی» خود بسپارد. شعر در او چنان که زیسته شده است سروده می‌شود، جان می‌گیرد و انفجارهای درون مغمز و موسیقی را در تن، از تو پدیدار می‌سازد. دهها شیوه ممکن برای روبرو شدن با «تجارب اندیشه» شار وجود دارد. او استاد سبک بسیار اصیلی است. او کسی است که اگر بخواهیم سریع تر از آنچه مناسب است، نامی به او بدهیم، مجبوریم بگوئیم که عارفی بی‌الهیات است. او متعدد و واحد است و این متعدده که از واحد جدائی ناپذیر است، تصاویر و حرکات درونی فرد الهام یافته را منفجر می‌سازد. پل ون، همنجار و دوست او، با حوصله تمام همه رشته‌های این بافت کلامی را که اغلب پیچیده و دشوارش می‌خوانند از هم گشوده است. من ادعا نمی‌کنم که بدون دقت و احتیاط بتوان وارد دنیای شار شد و یا هر بیت شعر او را بدون کوشش فهمید. اما پل ون مسلماً حق دارد وقتی تکرار می‌کند که شار «اصرار دارد که فهمیده شود. فهمیده شود و بفهماند. فهمیده شود و مجسم کند.» من دلم می‌خواهد در اینجا مثالهایی را درباره وضوح ستودنی شعر شار تنها در یک زمینه به عنوان نمونه محدود ذکر کنم. می‌توان شار را با اشعار اوراق خواب مصنوعی مرد جنگ و استنکاف توصیف کرد و با سرودهای بالاپوش<sup>۱</sup> مردی که در یک شعاع خورشید راه می‌رود، الخ... اما من در اینجا فقط به این اکتفا می‌کنم که نمونه‌های دقت شاعرانه شار را در دنیای پرندگان، در هوا بقایم. او با همان دقت و درستی از دوستان و محبوبان، از روستائیان و دانشمندان، از متبحران و ساده‌دلان حرف می‌زند که برای مثال از پرندگان. مردی با نگاه نافذ، با چشمی بیدار، گیرنده کوچکترین حرکات و رباینده زندگی سریع. کمتر کسی می‌تواند مانند او پرستوی دم دراز را ببیند که «با بالهای بسیار پهن دور خانه می‌چرخد و فریاد شادی می‌کشد. دل چنین است» کاکلی: «اخگر نهائی آسمان در اولین گرمای روز که سپیده‌دم را جواهر نشان می‌کند و آواز زمین پر جنب و جوش را می‌خواند.» چکاوک «بر این نی که از باد تکان می‌خورد، همچون ملاحان پا نهاده است.» سهره: «گلویش رنگ بهاری را دارد.

وقتی که من رسیدم او آماده رفتن بود.» و آخرین پرواز سیاه و جداگانه: «یک کلاغ، پاروزن تیره که از دسته کشتی‌ها جدا می‌شود.» هر یک از این طرحها حالت قبض و بسط حرکت را دارند و عصبیت شادمانه عکس فوری را می‌شد، می‌بایست، می‌توانستم و می‌بایست که اوراق متافیزیک شار را، فلسفه تاریخ او (یا رد چنین فلسفه‌ای را از جانب او) گشود. اندیشه و علائق او را، ترانه‌های عشق او را و حالات انفجاری او را تحلیل کرد. من در اینجا ترجیح داده‌ام که در حاشیه یک اثر بزرگ او، فقط از جنبه پرنده‌شناسی او و شنیدن و دیدن موجوداتی که آن همه سیکند سخن بگویم. مانند: «کاکلی در زیر نور کم / می‌درخشد و این آرزو را در دل می‌پرورد که آواز بخواند.»

